



31 آگست 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

امریکا بار دیگر اشتباه بزرگ را در افغانستان تکرار کرد!

(قسمت دوم)

اشتباه بزرگ دیگر که جبران آن ساده نیست!

توقع میرفت که اداره جدید آقای بایدن به حساسیت های موضوع و عواقب خطیر ناشی از تصامیم عجولانه دونالد ترامپ در مورد خروج قوای نظامی کشورش از افغانستان عطف توجه میکرد و در مسیری که رئیس جمهور قبلی و دستیارش زلمی خلیل زاد گام نهاده و موجب اختلال و تاحدی بی ثباتی در افغانستان گردیده بود، تغییری لازم را در پیش میگرفت. اما با تأسف اداره جدید در این هشت ماه همان روشی را دنبال کرد و به راه نادرست خلیل زاد ادامه داد یعنی سپردن سرنوشت افغانستان بدست پاکستان و دستیاران طالبانی شان. اینکار به یقین اشتباهات گذشته امریکا را در افغانستان بار دیگر تکرار خواهد کرد. برای مردم افغانستان با وجود همه کمی و کاستی هائیکه در اداره امور در این چند سال دامنگیر افغانستان شده است، باز هم حفظ نظام در مجموع یک اصل حیاتی شمرده میشود. با فروریختن پایه های اساسی نظام و جاگزینی طالبان بدون شک افغانستان بار دیگر مثل سال 1992 به قهقرا خواهد رفت و مسئولیت آنرا بیشتر از دیگران امریکا بردوش خواهد داشت.

با عروج مجدد طالبان در اداره افغانستان مسلم است که دست پاکستان در آن کشور بیش از پیش دراز خواهد شد و این وضع هم موجب تشکل مجدد قوه های مخالف طالب در کشور خواهد شد و نیز بر رقابت کشور های بیرونی پس از خروج قوای امریکائی و ناتو خواهد افزود و احتمال بروز جنگ داخلی را در افغانستان بیشتر خواهد ساخت که شعله آن بر منطقه و حتی فراتر از آن سرایت خواهد کرد.

متأسفانه با رویدادهای اخیر که بطور برق آسا در مدت کوتاه و بدون مقاومت لازم اردوی ملی و دیگر اورگانهای دولتی و بخصوص سقوط کابل بطور بسیار دراماتیک بدست طالبان بتاريخ 15 آگست (24 اسد) و فرار تعدادی از سران رژیم جمهوری به شمول داکتر اشرف غنی رئیس جمهور و معاونین و دستیاران همه کاره او به خارج، اکنون افغانستان به یک حالت بی سرنوشتی حزن آور بدست طالبان افتاده که آینده این کشور بسیار تاریک به نظر میرسد.

اینکه چگونه و چرا این تحول غیر مترقب و به سرعت طی چند روز به وقوع پیوست و قطعات اردو و پولیس ملی و همچنان والی های ولایات دست بسته تسلیم طالبان شدند، دلایل متعدد وجود دارد که بحث جداگانه را ایجاب میکند. اما یکی از عوامل مهم آن همانا به سیاست امریکا بر میگردد که پس از امضای موافقتنامه دوحه که بتاريخ 22 فیبروری 2020 بین خلیل زاد و ملا عبدالغنی برادر تحت نام "صلح در افغانستان" امضاء گردید، بر موقف سیاسی طالبان شدیداً افزود و در مقابل با وارد کردن فشارهای مستقیم و غیر مستقیم بر دولت جمهوری افغانستان، بخصوص بر شخص اشرف غنی تا سرحد استعفای جبری از مقام و ایجاد یک حکومت انتقالی به اشتراک طالبان این روحیه را که گویا طالبان خواهی نخواهی بقدرت خواهند رسید، در بین مردم عامه و نیز در بین نیروهای نظامی و اداری کشور بسرعت تقویه کرد که در نتیجه با تبلیغات سوء ستون پنجم در داخل کشور علیه نظام یک نوع بی ثباتی در امر دفاع از نظام و آینده کشور بدست طالبان اوج گرفت و نیروهای نظامی و اداری را به سرعت به سمت تسلیمی به طالبان کشانید.

پالیسی امریکا مبنی بر ایجاد یک حکومت ضعیف در افغانستان عامل دیگر کشمکش قدرت بود که از چند سال بدینسو پایه های نظام را سست و اداره کشور را به بحران مواجه ساخته بود. از نظر تاریخی بعد از جنگ عمومی دوم امریکائی ها چندان مایل به موجودیت یک حکومت قوی ملی و با ثبات در افغانستان نبودند، ولی تا ختم دوره جمهوری محمد داؤد با وجود حمایت از پاکستان به حیث یک متحد خود، باز هم با دولت افغانستان روابط معمول و قسماً دوستانه را در پیش داشتند، و اما پس از آن بخصوص بعد از تجربه تلخ در ایران و آوردن خمینی به قدرت، آنها به این نظر آمدند که قدرت را در کشورهای مورد نظر نباید به یک دست سپرد، بلکه بین دو یا چند رقیب طوری تقسیم کرد که اگر یکی از دستور سرتباید، با تقویه دیگری موازنه نفوذ خود را بین آنها برقرار سازد.

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آن لاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

روگرداندن خمینی از امریکا درسی بود که سیاسیون امریکا در جهاد افغانستان از آن باید بیاموزند و نگذارند تا قدرت مجاهدین از یک دست اداره شود. تشکیل تنظیمهای هفتگانه و ایجاد رقابت بین آنها بوسیله پاکستان برطبق همین تجربه شکل گرفت و موجب رقابت های قدرت طلبانه بین آنها شد که بعد از سقوط نجیب آنها در کابل به جان هم افتادند و وطن را ویران و ثمره پاک جهاد را به هدر دادند. گام دیگری که گذاشته شد ایجاد گروه طالبان بود که آنها از 1995 تا 2001 وطن را بیشتر از پیش ویران و خونبار ساختند. همچنان بعد از سقوط طالبان در اکتوبر 2001 بار دیگر امریکا شخصی ضعیف و بدون برنامه یعنی حامد کرزی را در کنفرانس "بن" بقدرت رسانید که نام از او اما اختیار در واقع در دست خلیلزاد بود. در سال 2009 مناسبات کرزی با امریکا پس از رویکار آمدن اوباما به ریاست جمهوری آن کشور روبه سردی گرائید. تا آنکه اشرف غنی بقدرت رسید. این بار بازم به هدایت جان کری وزیر خارجه وقت امریکا در 2014 با تشکیل حکومت دوسره (غنی و عبدالله) دولت افغانستان به دو دست رقیب تقسیم گردید و عین حالت در سال 2019 به وقوع پیوست که در نتیجه آن فورمول 50 فیصد در تقسیم مقامات عالیه کشور بین غنی و عبدالله زیر نام "حکومت مشارکتی" و نیز سپردن صلاحیت مذاکرات صلح در دوحه به ریاست عبدالله یک نوع بی ثباتی و بحران سیاسی را در کشور دامن زد که نتیجه آن فلج شدن دستگاه دولت و کشمکش های قدرت بین این دو رقیب بود. ادامه این حکومت به دلیل ناهنجاری های درونی و رقابت های ذات البینی از 2019 تا اکنون شیرازه های نظام دچار یک بحران بی اعتمادی و بینظمی گردید که در نهایت طی همین چند روز منجر به سقوط نظام و سلطه برق آسای طالبان شد. مذاکرات نان نهاد "صلح" در دوحه بین جناح دولت جمهوری و طالبان جز ضیاع وقت چیزی دیگر نبود، زیرا هیچ نکته قابل تفاهم بین دو جناح وجود نداشت و اما پخش آوازه های تشکیل یک حکومت انتقالی در این میان قدم بقدم بوسیله مخالفان اشرف غنی در اذهان جا می گرفت و زمینه از هم پاشیدن نظام را تقویه میکرد.

بیانات چند روز قبل رئیس جمهور بایدن که به تأکید اظهار کرد: امریکا برای سرکوبی تروریست های القاعده به افغانستان قوای نظامی فرستاد، نه برای آنکه در آن کشور اقدام به "نیشن بلدنگ" (Nation - Building) نماید، شاهد دیگریست که بازم امریکا بطور عموم علاقمند تشکیل یک حکومت ملی با ثبات و قوی در افغانستان نبود. از آنجائیکه اصطلاح "نیشن بلدنگ" در واقع مفهوم دولت سازی را افاده میکند، از گفته آقای بایدن واضح میشود که امریکا در افغانستان به منظور "دولت سازی" نیامده بود، بلکه هدف آن سرکوبی القاعده و تروریستهای منسوب به آن بود. سؤال در اینجاست که پس از قتل اسامه بن لادن رهبر القاعده در ماه می 2011 در "ابیت آباد" پاکستان و انتقام از او در فاجعه 9/11، چرا امریکا برای ده سال دیگر در افغانستان باقی ماند و میلیاردها دلار را خرچ تقویه نیروهای نظامی افغانستان کرد؟ آیا سیاسیون امریکا این واقعیت را نمی دانستند که تنها تجهیز و تسلیح نیروی نظامی افغان نمیتواند به تنهایی در برابر تروریست های وارد شده از پاکستان به افغانستان مبارزه کند، مگر آنکه در راس این نیروها یک حکومت با ثبات قوی و مصمم وجود داشته باشد؟

امریکا متأسفانه طوریکه در بالا ذکر شد، در مورد ایجاد یک دولت قوی و با ثبات در افغانستان بار دیگر اغفال کرد و برعکس با ذرایع مختلف کوشید با ایجاد حکومت های دوسره دو دستگی را در دولت افغانستان بیش از پیش تقویه کند و این یک اشتباه بزرگ دیگر سیاسیون امریکا بود که در ادامه آن آقای بایدن با عجله و بدون عاقبت اندیشی لازم در مورد تعیین تاریخ قطعی خروج قوای امریکا و متحدانش از افغانستان تصمیم گرفت و این یکی از عمده ترین دلایل سقوط نظام بیست ساله و از بین رفتن دستآورد های مثبت آن در ظرف چند روز گردید که در نتیجه آن بازم با رسیدن طالبان بقدرت احتمال مبدل شدن مجدد افغانستان به لانه تروریزم بیشتر شد.

اعلان خروج قوای نظامی امریکا و ناتو از افغانستان وتعیین ضرب الاجل معین تا اخیر ماه اگست از یکطرف، وفشارهای وارده امریکا بر دولت افغانستان بخصوص بالای غنی و بلند بردن موقف طالبان که در دوره ترامپ رویدست گرفته شده بود و بایدن بوسیله گماشتن مجدد زلمی خلیلزاد آنرا ادامه داد از طرف دیگر، موجب شد تا زمینه فعالیت کشورهای ذیعلاقه در امور افغانستان، (بخصوص پاکستان) سریعاً گسترش یابد و هریک این کشورها بکوشد تا پس از خروج قوای امریکائی و ناتو برای خود در افغانستان جای پا و ساحه نفوذ خود را استحکام بخشد. حمایت پاکستان از طالبان وضع را بطور دراماتیک تغییر داد و طالبان موفق شدند برق آسا بر 90 فیصد خاک افغانستان مسلط شوند که در ادامه سقوط کابل بدست طالبان بتاريخ 15 اگست سال جاری منجر به یک افتضاح تاریخی گردید که در اثر آن هم امریکا و کشورهای ناتو و هم افغانستان و کشورهای همسایه و دیگر قدرتهای منطقه و فرمانطقه همین حالا با صدها سؤال در ارتباط به آینده افغانستان روبرو میباشند.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

رسیدن طالبان در دروازه های شهر کابل:

در آستانه رسیدن طالبان به دروازه های کابل فکر می شد که طالبان برای چند ماه از ورود به کابل اجتناب نمایند تا در طی آن مدت برای آینده خود ترتیبات لازم را رویدست گیرند و نیز امریکا بتواند با همین فرصت تا تاریخ 31 ماه اگست آخرین قوای نظامی خود را به راحتی از افغانستان بیرون کند، اما فرار غیرمترقب اشرف غنی رئیس جمهور با معاونان و دستیارانش به خارج درعین روز (15 اگست) صحنه را به یکبارگی تغییر داد و طالبان ناگزیر شدند بدون آمادگی قبلی داخل شهر کابل شوند. هنوز خروج کامل قوای امریکائی و ناتو به پایان نرسیده بود که دو معضله دیگر موجب نگرانی و عجله امریکا و ناتو گردید: یکی خروج تمام اتباع آنها از افغانستان به شمول قراردادی ها و افغانهای که با قوای آنها در طول سالها همکاری کرده بودند و دیگر تصفیه اسناد مهم سفارتخانه های شان که نباید بدست طالبان برسد. روی این ضرورت عاجل امریکا تصمیم گرفت به تعداد 5000 نیروی نظامی خود را دوباره به افغانستان اعزام و آنها را در میدان هوای بین المللی کابل جهت تنظیم امور مربوطه توظیف نماید.

پس از ورود طالبان به کابل، هجوم ناگهانی هزارها افغان به منظور خارج شدن از کشور به میدان هوایی کابل و بخصوص رویداد تاریخی دویدن مردم در پیشاپیش طیاره نظامی امریکا که در حال حرکت به مقصد پرواز بود و تعداد خود را به بدنه طیاره آویزان کرده بودند، تراژیدی بزرگی را بار آورد که در اثر آن چند نفر در این حادثه جان خود را از دست دادند. این رویداد توجه دنیا را به خود جلب کرد و در امریکا حربه برنده را بدست رقبای رئیس جمهور بایدن یعنی جناح جمهوریخواه سپرد و آنها این موضوع را دال بر بی کفایتی بایدن عنوان کردند و حتی خواهان استعفای او از مقام ریاست جمهوری شدند، چنان که در اثر آن محبوبیت رئیس جمهور بایدن در حدود 8 فیصد کاسته شد.

طالبان نیز در اینحال با وضع نا به سامان مواجه شدند که تا هنوز نمیدانستند چه کنند. در این دو هفته که گذشت، اوضاع افغانستان بخصوص در شهر کابل به حدی مغلق و پیچیده شده است که هیچکس نمیداند این کشور به کدام سو کشانیده خواهد شد. تنها چیزیکه در شهر کابل مایه امیدواری است، همانا حفظ امنیت نسبی میباشد، ولی مردم از آینده بسیار در هراس اند و هریک در تلاش است هرچه زودتر و به هر وسیله ای ممکن وطن را ترک نماید، با آنکه هریک میدانند که اینکار با خطرات زیاد توأم است، خاصتاً بسته بودن راه های فرار و ایجاد موانع و مشکلات برای مهاجرت آنها در کشورهای همسایه و نیز مشکلات رسیدن از ایران و ترکیه به کشورهای اروپائی، باآنهم آنها در تلاش بیرون شدن از کشور حتی به قیمت جان خود حاضر میباشند.

عکس العمل فوری داعش در برابر طالبان و امریکا:

هنوزبحران خروج قوای خارجی و هجوم افغانها در میدان هوایی کابل در اوج خود قرار داشت که حادثه دو انفجار انتحاری در آن میدان بتاريخ 26 اگست (4 سنبله) به وقوع پیوست و موجب کشته و زخمی شدن صدها افغان اعم از زن و مرد و طفل به شمول 13 سرباز امریکائی گردید. مسئولیت این حادثه را همان روز داعش بعهده گرفت که در اثر آن اوضاع فوراً یک بُعد خطیر دیگر پیدا کرد. تا قبل از وقوع این حادثه خونبار کمتر درباره داعش و نقش فعال و عکس العمل فوری آنها در ارتباط با سلطه طالبان در افغانستان بحث صورت میگرفت، اما پس از آن توجه جهان به فعالیت داعش شعبه خراسان بیشتر معطوف شد. دلیل عکس العمل فوری داعش در مقابل عروج آنی طالبان به قدرت همانا برمیگردد به هدف اصلی امریکا که بر مبنای دو دلیل استوار بود: یکی آنکه امریکا میخواست طالبان را از چنگ رقبا بخصوص روسیه و چین بیرون کند و آنها را به نحوی به خود ملحق سازد و دیگر استفاده از قوای طالبان به مقصد مبارزه علیه داعش در افغانستان که قبلاً زیر نام "صلح" در دوحه با مدیریت خلیزاد روی آن کار شده بود و به همین دلیل داعش با اجرای عملیات انتحاری بصورت فوری داخل اقدام شد و حضور فعال خود را در معضله افغانستان به حیث یک قدرت رقیب با طالبان و امریکا به منصه ظهور رسانید.

اما اکنون این سؤال مطرح است که آیا بین طالبان و داعش چنان فاصله فکری وجود دارد که طالبان به مقابل داعش داخل جنگ و مبارزه شوند و یا اینکه برعکس طالبان و قسمتی از آنها با داعش در ارتباط نزدیک میباشند و اگر تعدادی از طالبان بخواهند با داعش درگیر شوند، دو دستگی آنها ممکن است به نفع داعش تمام شود و احتمال دارد یک قسمت طالبان که به گروه حقانی مسمی میباشند، جانب داعش را بگیرند، آنوقت به اصطلاح عوام: "هم کله خواهد رفت و هم سله!"

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

در این ارتباط احتمال قوی وجود دارد که با استحکام قدرت طالبان در افغانستان زمینه فعالیت های تخریبی داعش به آسانی مساعد گردد تا آنها زیر سایه طالبان و حتی به لباس و نام طالبان به شدت به عملیات علنی و زیرزمینی خود بپردازند. در اینجا سوال میشود که آیا مقامات امریکائی نمیدانستند که با خروج عجولانه از افغانستان و رشد طالبان زمینه عروج داعش، همانطوریکه در عراق رخ داد، در افغانستان نیز تکرار خواهد شد؟ اگر به دقت نگریسته شود، فرق بین طالب و داعش زیاد نیست و آنها میتوانند با تبدیل کردن رنگ دستارهای خویش از سیاه به سفید و یا برعکس یکی در جلد دیگر داخل شوند، در حالیکه گوشت و استخوان شان در افراطیت دینی یکی است. با این حال بعید از امکان نیست که امارت اسلامی دیر یا زود به پرورشگاه و لانه تروریست هایی آماده به پیکار مبدل شود و امریکا از کنترل وضع، چنانچه بین سالهای 1995 تا 2001 نتوانست بدنه القاعده را از طالبان جدا سازد و در نتیجه حادثه 9/11 به وقوع پیوست، باز هم عاجز بماند و تاریخ بار دیگر تکرار گردد!

تقسیم طالبان به دو دسته: یکی گروه حقانی و دیگر گروه شورای کویته این واقعیت را آشکار می سازد که گروه حقانی روابط نزدیک با گروه داعش شعبه خراسان دارد و به همین دلیل رقابت جدی برای کسب قدرت بین آنها همین حالا در کابل در جریان است. لذا بازی با طالبان کارساده نیست و وقتی آنها پای خود را در قدرت محکم کنند، آنوقت راه خود را پیش میگیرند و اینکه گفته میشود، طالبان تغییر کرده اند، یک خوشبختی است. ملایمت نسبی آنها اکنون فقط برای کمائی کردن وقت و بدست آوردن شناسائی رسمی نظام شان از طرف کشورهای جهان است و در این راستا کشور حامی شان یعنی پاکستان از همین حالا داخل اقدام بوده و اراکین آن کشور به همین منظور آماده ساختن زمینه به سفرها خود به کشورهای همسایه و فراتر از آن ادامه میدهند.

قابل ذکر است که ستراتیژی دیرینه پاکستان در افغانستان که از دیرزمان تا اکنون پابرجاست، به قول جنرال ضیاالحق برچهار اصل ذیل استوار میباشد؛ جنرال ضیاء الحق سالها قبل به صراحت بیان کرده بود که:

- 1- پاکستان بخود حق میدهد برای افغانستان تعیین رژیم کند، رژیمی که با پاکستان دوست باشد؛
- 2- این رژیم باید ادعای ارضی با پاکستان نداشته باشد یعنی معاهده دیورند را به رسمیت بشناسد؛
- 3- حکومت افغانستان باید یک حکومت «واقعا» اسلامی باشد؛
- 4- رژیم مطلوبه در افغانستان باید زمینه دسترسی پاکستان را به کشورهای آسیای میانه مساعد سازد. (برای شرح مزید دیده شود: هریسن، سلیک و کوردویز، دیاگو - "حقایق پشت پرده تهاجم شوروی بر افغانستان"، ترجمه - عبدالجبار ثابت، چاپ دوم، مرکز نشراتی میوند، پشاور 1377، صفحه 186)

حکومت پاکستان و ISI برای نیل به اهداف فوق همیشه کوشیده اند قدرت و توانائی ملی افغانستان را به اشکال و ذرایع مختلف تضعیف کنند تا یک رژیم دست نگر و مطیع خود را در افغانستان به وجود آورند. نخست آنها برای این هدف دنبال حکمتیار را گرفتند، ولی حکمتیار با وجود جنگهای خونین، موفقیت لازم را در افغانستان بدست آورده نتوانست و نیز تنش بین امریکا و پاکستان در مورد بقدرت رسانیدن او بیشتر گردید، لذا پاکستان که دچار رقابت های شدید در رابطه به دسترسی به بازارهای آسیای میانه با ایران بود، ناگزیر بدیل دیگر را به همکاری و تفاهم و حمایت امریکا برای این هدف در میدان جنگ قدرت در افغانستان به حرکت انداخت که این بدیل همانا حرکت «طالبان» بود که به سرکردگی یک ملای کم شهرت بنام «ملا محمد عمر آخوند» از ولسوالی میوند ولایت قندهار نخست با یک گروه کوچک در عرصه نظامی و بعداً سیاسی افغانستان وارد عمل شد. اکنون پس از بیست سال مقامات پاکستانی کوشیدند تا با بقدرت رسانیدن مجدد طالبان در افغانستان شخص دیگری را بنام مولوی هبیب الله آخوندزاده رویکار آورد تا به همان هدف اولی خود که فوقاً تذکار رفت، نایل آیند. متأسفانه هر دو بار مقامات امریکائی در این راستا به نفع پاکستان و به ضرر ملت مظلوم افغانستان زمینه سازی کرده اند که هنوز هم این بازی خطرناک در حال تداوم است.

تفاهم و توافق در دوحه دو روز قبل از سقوط کابل:

یک گزارش مهم که در تعدادی از رسانه های جمعی به نشر رسیده مشعر است که: «عبدالله عبدالله بعد از سفر سه روزه و مذاکرات فشرده و چند جانبه در دوحه، با این پیام و درخواست از قطر به کابل برگشت تا در همراهی و همکاری برخی از بزرگان سیاسی کابل نشین، از اشرف غنی بخواهد تا به هیئت افغانی که وی ریاستش را بعهده دارد، در مورد توافق نامه صلح که به آتش بس و تشکیل حکومت انتقالی می انجامد، صلاحیت بدهد. در صورت موافقت غنی به کنار رفتن از قدرت، توافقنامه ای که چارچوب و نقشه کلی مسیر آینده را روشن می سازد، به

د پانوی شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

امضاء خواهد رسید که اجرایی شدن آن مستلزم استعفای رسمی غنی و اعلان آتش بس و توقف پیشروی های نگران کننده طالبان خواهد بود که این طرح مورد تأیید امریکا، انگلیس، اتحادیه اروپا، کشور های ذیدخل منطقه و همسایگان افغانستان است.»

در این گزارش آمده است که: «اطلاعات دقیق از ارگ می‌رساند که بعد از رأی‌زنی های متعدد، شام روز جمعه {13 اگست} داکتر غنی در حلقه محدودی، موافقت خود را مبنی بر استعفای مشروط به عبدالله اعلان نموده و عبدالله نیز سریعاً عازم قطر گردیده تا این پیام مهم را به گوش نماینده گان جهان و طالبان برساند. گفتنی است اینکه در حاشیه این تصمیم و اقدام احتمالی، بر مصلحت خروج امرالله صالح معاون آشتی ناپذیر ارگ با طالبان، از افغانستان و سبکدوشی حمدالله محب نیز تأکید صورت گرفته و قرار است بزودی موضوعات فوق توسط شخص رئیس جمهور رسانه ای شود.»

در ادامه گزارش آمده است که: «بعد از اعلان رئیس جمهور غنی برنامه های ذیل که در دوحه توافق شده و به زودی تطبیق می‌گردد:

- 1 - داکتر غنی از قدرت کنار می‌رود .
 - 2 - صالح کشور را ترک میکند .
 - 3 - فعلا در ارگ بالای یک فهرست از مقام های فعلی برای اخراج از افغانستان بشدت کار می‌شود، مانند: محب، وزرا، معاونین و اکثر مدیران و مقام های ارشد دولتی .
 - 4 - آتش بس 6 ماهه در بدل حمایت مالی امریکا اعلان می‌شود
 - 5 - ساختار سیستم موجود برای عرضه خدمات عامه حفظ می‌شود .
 - 6 - طالبان حکومت موقت را تحت رژیم فعلی رهبری خواهند کرد
 - 7 - جنگسالاران مانند اکثر رهبران جهادی و سیاسی تحت توافق در امان خواهند بود اما هیچ نقشی در حکومت نخواهند داشت .
 - 8 - عبدالله در حکومت موقت هیچ نقش رسمی نخواهد داشت بلکه نقش میانجیگری فعال خواهد داشت
 - 9 - در کابل جنگ نمی‌شود، طالبان در این باره توافق کرده است .
 - 10 - رهبری طالبان تا چند روز دیگر وارد کابل می‌شود، ممکن است ملا برادر یا استانکزی باشد
 - 11 - به زودی به ریاست ملا هیبت الله یک لویه جرگه در قندهار برگزار می‌شود .
 - 12 - طالبان با حفظ ساختار فعلی نیروهای امنیتی فعلا موافقت کرده اند .
 - 13 - ورود نظامیان امریکا / انگلیس دوباره به کابل، برای تسهیل انتقال قدرت انجام می‌شود .
 - 14 - چین، ایران و روسیه اول تر از همه دولت جدید را به رسمیت می‌شناسند.» (دیده شود: نورالدی آذر، بی بی سی مورخ 14 اگست 2021 ، اعلامیه فوق بوسیله صدیقه واین گارتنر و نیز جلیل غنی قسماً باز نشر گردیده است)
- (ادامه در قسمت بعدی)

د پانوی شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ